



بخش سی و پنجم

خاطرات ناسروان جعفر فزونی از واقعه «باسعیدو» ناسروان جعفر فزونی خاطرات خود از واقعه باسعیدو را این گونه بیان کرده است: «در تابستان ۱۳۱۲ خورشیدی با ناو ... پلنگ مأموریت یافتم که به تمام نقاط ساحلی و جزایر واقع در خلیج فارس سرکشی کنیم و ضمن رسیدگی به وضع آن‌ها، گزارش جامعی برای دولت تهیه نماییم. در آن زمان تمام بندرها خلیج فارس از بوشهر، لنگه، بندرعباس، جزیره هنگام و جاسک تا چابهار به مناسبت عبور خط تلگرافی هند و اروپا در اختیار انگلیسی‌ها بود و انگلیسی‌ها در اغلب این نقاط پادگان‌های نظامی داشتند و هر وقت که ناوهای ... ایران به آنجا وارد می‌شدند، پرچم انگلیس را برمی‌افراشتند و بدون کسب اجازهٔ دولت ایران در بندرها ما، خودسرانه می‌آمدند و می‌رفتند. پس از تشکیل نیروی دریایی ایران در سال ۱۳۱۱ وقتی برای اولین دفعه یک کشتی جنگی ایرانی به بندرهای یادشده وارد می‌شد، مواجه با احساسات شدید اهالی می‌گردید.

در سال ۱۳۱۲ با ناو «پلنگ» ضمن انجام مأموریت یادشده به بندر «باسعیدو» واقع در منتهی‌الیه غربی جزیره قشم وارد شدیم. در این بندر انگلیسی‌ها قبرستانی ایجاد کرده بودند و در حدود بیست تن از مأموران آن دولت که در مأموریت‌های خلیج فارس در گذشته بودند؛ در آنجا دفن شده بودند و بعلاوه یک انبار زغال‌سنگ هم در آنجا ساخته بودند که به مصرف احتیاجات نساوگان آن‌ها در خلیج فارس می‌رسید. انگلیسی‌ها به دلیل داشتن این قبرستان و انبار زغال، باسعیدو را جزء مستملکات خود قلمداد کرده و یک دسته سرباز هندی در آنجا گمارده بودند که از قبور محافظت نمایند. در مقابل محل سکونت سربازان هم دکلی برپا کرده بودند که هر وقت ناوهای انگلیسی به آنجا می‌رفتند سربازان یادشده پرچم جنگی انگلیس را که در اختیار داشتند به علامت احترام برمی‌افراشتند.

ناو پلنگ به تدریج به سواحل باسعیدو نزدیک می‌شد و سربازان هندی که تصور نمی‌کردند ناو دیگری غیر از ناو انگلیسی به آنجا بیاید، به تصور اینکه ناو پلنگ هم یکی از ناوهای انگلیسی است، طبق سنن پیشین پرچم جنگی انگلیس را برافراشتند و این موضوع مایه تعجب و نگرانی ما گردید.

همین که ناو پلنگ در لنگرگاه باسعیدو لنگر انداخت و سربازان هندی مشاهده نمودند که ناو پلنگ یک ناو غیر انگلیسی و متعلق به دولت ایران است و متوجه شدند که چنان‌چه افراد آن پیاده شوند، آن‌ها را دستگیر خواهند نمود؛ بنابراین، قرار اختیار نمودند. خوب به خاطر دارم تصمیم گرفتم که پرچم ایران را به‌جای پرچم انگلیس در آنجا برافرازم؛ بنابراین، با یک دستهٔ ناوی مسلح و طبل و شیپور؛ یعنی گارد احترام کامل به ساحل رفتم و پرچم انگلستان را پایین آوردم و به‌جای آن پرچم ایران را با احترامات نظامی به‌جای آن برافراشتم و چند ناوی را برای نگاهداری پرچم یادشده در آنجا گماردم...» (رسایی، ۱۳۵۴: ۲۳۳ و ۲۳۴).

ارزیابی‌های انجام‌شده بر روی غلامعلی بایندر

در بررسی اسناد و پرونده خدمتی مشخص شد که در ارزیابی‌های انجام‌شده بر روی غلامعلی بایندر از ابتدای استخدام تا درجه ناخدایی (معادل درجه سرهنگی) مطالب زیر درج شده است:
– خدمات صغی صاحب‌منصب مذکور خوب، لایق و قابل و مطیع است.
– فوق‌العاده جدی و از هر حیث رضایت‌بخش است.
– با علم و جدی است.
....

درج این گونه توصیفات از یک نظامی در پرونده خدمتی نشان‌دهنده وجود نظم ظاهری و همچنین نظم درونی و معنوی در غلامعلی بایندر است. مأموریت‌های انجام‌شده توسط غلامعلی بایندر ازجمله مأموریت‌های مهم انجام‌شده توسط وی، اعزام به ایتالیا برای تکمیل دوره آموزشی دریانوردی، مأموریت خرید اسلحه در سال ۱۳۰۷، مأموریت رم ایتالیا ۲۳ فروردین ۱۳۱۱ و... می‌توان اشاره کرد. اعلام حضور در ایتالیا دغدغه‌های غلامعلی بایندر؛ شناساندن فرهنگ و ساختار نیروی دریایی

ادامه دارد...



سنگ گروهِ زیست دریایی – سعید قلیچی – در روز ملی درختکاری، درحالی‌که دستگاه‌ها و نهادهای مختلف با برگزاری مراسم و برنامه‌های مختلف به‌صورت نمادین، کاشت درخت را ترویج می‌کردند، جزیره قشم یکی از بزرگ‌ترین حامیان محیط‌زیست خود را از دست داد.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، خبر کوتاه بود و دردتناک. «خالو درویش» درگذشت. درویش شریفی، «خالو درویش» معروف به «پدر حرای ایران» روز ۱۵ اسفندماه سال‌جاری در سن ۶۷سالگی درگذشت، حالا بسیاری از دوستداران محیط‌زیست ایران و جزیره قشم، داغدار از دست‌دادن یکی از بزرگ‌ترین فعالان محیط‌زیست هستند.

«خالو درویش» از ساکنان روستای هفت‌رنگو در جزیره قشم بود. ناخدا بود و خاطرات متعددی از سفرهای دریایی خود داشت. بیشتر اما به سبب فعالیت‌های زیست‌محیطی خود شناخته‌شده بود. «خالو درویش» برای حفظ محیط‌زیست جزیره قشم، هر ساله حرا می‌کاشت. چنان ممارست و اراده‌ای برای این کار داشت که برای اکثر فعالان محیط‌زیست جنوب کشور شناخته‌شده بود.

می‌گویند «خالو درویش» به تنهایی عمیليون درخت حرا به محیط‌زیست جنوب ایران هدیه کرده است. رقم واقعی شاید بیشتر از این‌ها هم باشد. وقتی پای صحبتش می‌نشستی با بیانی ساده و بی‌پیرایه از زمین و دریا، از جنگل‌های حسرا و حیات‌سبز جزیره قشم و جنوب ایران می‌گفت. تلخی ماجرا زمانی خودش را بیشتر نشان می‌دهد؛ او که پیشتانز درختکاری در جزیره قشم و در کرانه‌های خلیج فارس بود، در روز درختکاری نیز بدرودحیات گفت.

حالا حسرت گفت‌وگوها و مصاحبه‌های انجام‌شده و خاطرات نشنیده بیشتر هم خواهد شد. اغراق نیست اگر بگوییم «خالو درویش» عاشق زندگی بود، عاشق سرزمین و مردمان این خطه بود. عاشق دریا و جنگل‌های حرا بود و همیشه درباره آن‌ها سخن می‌گفت. کافی بود فقط یک‌مرتبه پای صحبت‌هایش نشسته باشی تا عشق و علاقه به محیط‌زیست را به‌خوبی درک کرده باشی. «درویش شریفی» مانند نام خانوادگی‌اش شریف بود و شریف زیست و میراثی باشرفات برای آیندگان به یادگار گذاشت.

وفات خالو درویش در روز درختکاری

درویش شریفی معروف به «خالو درویش» تنها یک فعال محیط‌زیست در خطه جنوب و جزیره قشم نبود. او الهام‌بخش بود. حالا برای بسیاری از افراد و نسل‌ها، او الگوی همراهی و تلاش جامعه‌محلی در حفاظت از طبیعت است. میراث او، میلیون‌ها درخت حراست که همچنان در سواحل خلیج فارس استوار باقی خواهند ماند و یادآور عشق بی‌پایان او به طبیعت خواهند بود.

درویش شریفی یکی از ساکنان روستای هفت‌رنگوی جزیره قشم بود و در زمان وفات ۶۷سال سن داشت. «خالو درویش» در روز ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ – که با روز ملی درختکاری مصادف است– درگذشت. این روز که به نمادی از تلاش

«روزنامه دریایی سرآمد» گزارش می‌دهد

«جنگل حرا» در سوگ «خالو درویش»

پدر حرای ایران در روز درختکاری از ساحل هفت‌رنگو به آسمان پر کشید

و حیات او و دیگر جزیرتی‌ها نیز نیست و نابود می‌شود. مستند «اشک پیر حرا» در واقع حس طرفداری خالو درویش از محیط‌زیست و جنگل‌های حرای جزیره قشم و تلاش و فعالیت‌های این چهره مطرح محیط‌زیستی ایران را بازگو می‌کند و می‌کوشد با برخی اقدامات ابتکاری و داوطلبانه، بخشی از گستره ۲۰،۰۰۰ هکتاری جنگل حرا محدوده تالاب بین‌المللی «خورخوران» را از خطر نابودی نجات داد.

ویژگی‌های حرا

براساس این گزارش، جنگل‌های همیشه سرسبز حرا یا مانگرو، شگفت‌انگیزند و عجیب و غریب. وقتی به تماشایش می‌نشیني از دیدنش سیر نمی‌شوی. در ایران، این جنگل‌ها در کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان مستقرند. از منطقه عسلویه استان بوشهر شروع می‌شوند و به‌طور پراکنده و گاه انبوه از سواحل استان هرمزگان می‌گذرند و تا جنوبی‌ترین نقطه کشور امتداد می‌یابند، یعنی بندر گوادر در استان سیستان و بلوچستان. ایران به لحاظ وسعت جنگل‌های حرا رتبه دهم را در آسیا دارد.

درختان حرا از تیره شاپسند هستند و ۹۵درصد جنگل‌های حرا یا مانگرو در ایران را تشکیل می‌دهند.باقی درختان از گونه چندل هستند. درختان حرا، هم در خشکی‌اند و هم در آب‌شور. در واقع در شرایط جزرومدی آب، زیست می‌کنند. با خصلت خدادادی‌شان، آب‌شور را شیرین می‌کنند و بعد از تغذیه از آن، نمکش را پس می‌دهند.

جزرومد و سیلاب‌ها هم بستر را شورزدایی می‌کنند. حقیقت این است که در قشم نه از توسعه خبری است و نه از رونق اقتصادی سال‌های گذشته. در این جزیره آنچه بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌خورد، جاذبه‌های طبیعی برای گردشگری است که برای توسعه و رونق نیازمند فعالیت و همراهی جامعه محلی است. قشم، جزیره‌ای است که عنوان اولین ژئوپارک جهانی در منطقه خاورمیانه را یدک می‌کشد و البته بزرگ‌ترین رویشگاه جنگل‌های مانگرو نیز هست. دانه حرا، روی درخت مادر می‌روید و باعث تولید نهال می‌شود، سپس از درخت جدا می‌شود و داخل مرداب می‌افتد. جنگل دریایی حرا به روی دریا و آب‌شور قرار دارد و این سازش با آب‌شور و شرایط نامناسب، از حرا یک گیاه استثنایی در اندازده‌های ۳ تا ۶متر با شاخ و برگ سبز روشن ساخته است. حرا درختی است آب‌شورزی که هنگام مد آب دریا تا گلوگاه در آب فرو می‌رود. با خاصیت تصفیه‌ای که در پوست این درخت وجود دارد، بخش شیرین آب دریا را جذب و نمک آن را دفع می‌کند. درخت حرا در حقیقت یک تصفیه‌خانه آب‌شیرین‌کن طبیعی است.

این پوشش گیاهی تنها رویش‌های چوبی ناحیه جزرومدی سواحل گرمسیری و نیمه‌گرمسیری هستند که توانایی هم‌زیستی با شوری آب‌های دریایی، به‌واسطه مکانیسم‌های مختلف، از ویژگی‌های انحصاری این گیاهان به‌شمار می‌رود. این مانگروها از شرایط زیستگاهی مطلوب برای شمار بسیاری از آبزیان دریایی و پرندگان آبی‌ر برخوردار هستند. آبراهه‌های اجتماعات مانگرو و به‌واسطه غنی‌بودن از پوده‌های گیاهی آلی و دریافت مواد مغذی، ارزش پرورشگاهی بالایی برای گونه‌های آبی‌ر دارا هستند و از این جهت نقش غیرقابل‌جانشینی در زنجیره غذایی دریا برعهده دارند.

جنگل‌های حرا (مانگرو) را می‌توان در خورها و مصب رودخانه‌های فصلی و دائمی هرمزگان به‌طور مجتمع یا پراکنده مشاهده کرد. برخی گزارش‌ها نیز رویشگاه‌های توده‌های طبیعی این نوع جنگل در شهرستان قشم شامل خورهای شمال‌غربی جزیره واقع در خورخوران، جزایر ماسه‌ای مقابل شهرهای طبل و لافت تا سهیلی، گوزین، هفت‌رنگو و گوران می‌دانند.

طبیعی و برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست حالا بسیار بهتر شده است. نگاه مردم بومی به جنگل‌های حرا عوض شده؛ حالا مردم با حراها دوست شده‌اند. درختان حرا یکی از منابع تأمین‌کننده علوفه دام در جزیره قشم است، اما برداشت بی‌رویه از سرشاخه‌ها، به تهدیدی برای این رویشگاه‌ها تبدیل شده است.»

جزیره قشم نیازمند چنین نگاهی به محیط‌زیست از سوی جامعه محلی است. «خالو درویش» یکی از انسان‌هایی بود که برای ترویج حفاظت از محیط‌زیست و کاشت حرا، تلاش بسیاری کرد. شاید امروز فعالان محیط‌زیستی و دوستداران منابع طبیعی در جزیره قشم کم نباشند، اما بدون شک جای خالی افرادی مانند درویش شریفی احساس می‌شود.

مستندی برای اشک پیر حرا

هرچند دیگر خالو درویش، بزرگ ناخدای جزیرتی و پاسبان دلسوز «ذخیره‌گاه جهانی زیست کره حرا» جزیره قشم دیگر در میان ما نیست، اما روایتی حماسی با نام و نشان «اشک پیر حرا» به همت و کوشش یک تیم مستندنگار هرمزگانی در حافظه جمعی و تاریخ شفاهی مردمان دیار حرا ماندگار شد. «اشک پیر حرا» مستندی تلویزیونی به مدت ۳۰دقیقه است که در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به کارگردانی فرشید ایرانپرت تولید و با تهیه‌کنندگی سعید ماندگاری در صداوسیمای مرکز خلیج فارس پخش شده است.

آنطور که پایگاه رسمی روابطعمومی سازمان صداوسیما،



گزارش داده است: پیر حرا مستندی است با بیان ساده از زندگی پیرمردی به نام خالو درویش شریفی است که در جنگل‌های حرای جزیره زیبای قشم سکونت داشته است. این مستند تک‌قسمتی، مخاطبان را با بحران تغییر اقلیم، خشکسالی، پیامدهای کارهای گلخانه‌ای و زندگی سبزاندیشانه بزرگ‌ترین جزایر منطقه خلیج فارس و خاورمیانه آشنا می‌سازد.

این مستند در کنار آشنایی مخاطب با سبک زندگی ساحل‌نشینان جنوب ایران، روایت فردی به اسم «خالو درویش» است که دغدغه اصلی او، حفظ و توسعه گستره جنگل‌های حراست که در معرض خشکسالی و در آستانه نابودی است. در واقع خالو درویش، به‌عنوان پاسبان ذخیره‌گاه زیست کره حرا، زندگی و حیات خود را وابسته به این جنگل‌های منحصربه‌فرد دریایی می‌دانست و معتقد بود با خشک‌شدن حرا و نابودی این زیست‌بوم، زندگی

بود و شغلش صیادی. سال‌ها به‌همراه اعضای خانواده‌اش در احیا و توسعه جنگل‌های حرا مشارکت فعالانه داشتند و دارند. تاریخ اولین دیدار و گفت‌وگوی ما با هم به سال‌های پایانی دهه ۹۰ برمی‌گردد. در خلال یکی از بازدیدهای دوره‌ای که به‌واسطه شغل خود داشتیم با او دیدار کردم. در همان نخستین دیدار و گفت‌وگو به صراحت بیان کرد: «ما به این جنگل‌ها، تعلق‌خاطر داریم، اجدادمان هم برای این درختان احترام قائل بودند و از آن مراقبت می‌کردند. ما برای این کار آموزش هم دیده‌ایم. کار ما از تیرماه با جمع‌آوری بذر در جنگل شروع می‌شود و سپس بذرها را طبق آموزشی که دیده‌ایم به گلدان‌ها انتقال داده از آن‌ها مراقبت می‌کنیم تا بذرهابه نهال تبدیل شوند. در اسفندماه، نهال‌ها را در جنگل یا سواحل می‌کاریم.»

یکی از دفعات بعدی که دیدمش می‌گفت: «سال‌های قبل و در قدیم اینطور نبود. مشارکت مردم در طرح‌های منابع

روستای گوران

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی -اقتصاد سرآمد